

در ایران، یک نیروی ترسناک کسبوری را بهم میریزد در حالیکه تندروها بالا میایند، سپاه پاسداران سایه وار به زور خود را وارد اداره کردن فرودگاه میکند و معاملات صنعت نفت را از دیگران قاپ میزند.

### آشکار شدن برخورد برسر سکوهای چاه زنی نفت

یک روز صبح زود در آگست، یک جفت قایق نظامی ایران در کنار "اوریزانت"، یک سکوی چاه زنی نفت رمانیائی که در آب های ساحلی ایران کار میکرد، پهلو گرفتند و مردان مسلح چهار دست و پا از یکی از پایه های سکوی حفاری نفت بالا رفتند.

نویسنده: آندرو هیگنز

رئیس سکوی چاه نفت دریایی، ویرول پتکو، به رئیس خود در رومانی تلفون کرد و به او گفت ایرانی ها شروع به تیراندازی کرده اند. وقتیکه ایرانی ها اتاق مخابرات را اشغال کردند و تمام 19 تن کارکنان رومانی را گله وار به محل پرواز هلیکوپتر بردند تلفون قطع شد. هیچکس آسیب ندید، بعداً، وقتی که هنوز سکو تحت اشغال بود، آقای پتکو بیاد میآورد، اما " این چیزی بود که انسان تنها در تلویزیون می بیند." ایران تیراندازی کردن را انکار میکند. ظاهراً، موضوع سکو یک اختلاف اجاره ای بین شرکا بود. اما نیروهای سیاسی نیرومندی را که کسبوری (بیزینس) ایرانیان را بهم میریزد آشکار کرد؛ که شامل دست های پر وزن نزدیکان رئیس جمهور تندرو ایران هم میشود. امروز با اهمیت ترین نیرو، در میان این نیروها ی کسبوری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است، نیرویی که غرب آنها را بطور کلی برای اشتیاق به اجرای قوانین مذهب راستین میشناسد. بنا بر ادعای دولت آمریکا، این نیروی شبه نظامی پنهان کار، شیعه های عراق و لبنان را آموزش نظامی میدهد و مسلح میکند، گروه شیعه ای که این تابستان با اسرائیل جنگید؛ و زندان های ترسناکی را در داخل ایران اداره میکند. سپاه پاسداران انقلاب نقش مهم دیگری دارد که در غرب کمتر شناخته شده است و آن کسبوری فعال سپاه است.

سپاه تونل و بزرگ راه میسازد. دو سال پیش سپاه یک شرکت ترکیه ای را که قرارداد داشت تا یک فرودگاه جدید را در تهران اداره کند به زور کنار زد و اداره آن را خود در اختیار گرفت. در حال حاضر سپاه به شدت تلاش میکند تا در مهمترین قسمت اقتصاد ایران یعنی نفت و گاز که یکی از بزرگترین گنجینه ذخایر سوخت فسیلی جهان است وارد شود.

در ماه جون، گروه مهندسی سپاه برنده یک قرارداد توسعه میدان گاز به ارزش 2.3 بیلیون دلار در قسمت ایرانی خلیج فارس شد. همین گروه، همینطور برنده یک قرارداد کشیدن لوله گاز به ارزش 1.3 بیلیون دلار در ایران تا مرز پاکستان شده بود.

دقیقاً روشن نیست، چه کسی دستور حمله به سکوی حفاری رومانی ای را داده بود. دولت ایران میگوید که آن توسط پلیس انجام شده است. رومانی هائی که هنوز بروی سکوی از کار افتاده در خلیج فارس هستند میگویند: یکی از پنج ایرانی که در حال حاضر سکورا اشغال کرده اند و آن را اداره میکنند از افسران سپاه است. سپاه در حال حاضر یکی از مذاکره کنندگان برای در اختیار گرفتن شرکت ایرانی " نفت شرقی" است که این سکوی حفاری نفت و دو سکوی دیگر مورد مجادله را از رومانی اجاره کرده است.

مبارزه برای در اختیار گرفتن سکوهای حفاری اجاره شده، آشکار کننده یکی از نتایج غیره عمدی سیاست آمریکا است. در این مورد، تلاش آمریکا برای تحت فشار گذاشتن و تضعیف ایران به آنجا منجر شد که نیروهای تندرویی را که در ایران میخواست تضعیف کند، تقویت کرد.

واشینگتن اصرار کرد که بانک های اروپایی با بانک های ایرانی کسبوری نکنند. اما وقتی که یکی از آنها این کار را کرد، دست و پایه "نفت شرقی" را بست که مالک اجاره سکوی نفتی است. این مشکل و مشکلات دیگر باعث شد که "شرقی" خود را برای فروش بگذارد، که برای تندروها راهی باز کرد تا این کسبوری را بقیابند.

گارد انقلابی (سپاه پاسداران) همواره در ایران یک نیروی اصلی سیاست بوده است. سپاه واحدهای نیروی زمینی، دریائی و هوائی خود را دارد که بموازات ارتش عمل میکند. سپاهیان سابق که شامل رئیس جمهور احمدی نژاد هم

میشود در دستگاه های دولتی و امنیتی پراکنده شده اند. در حالیکه بعضی از سپاهی ها اصلاح طلب شده اند. در ایران، سپاهی ها برای دفاع از سخت گیرهای انقلابی اسلامی شهرت و حشمتناکی دارند.

سپاه خدمات اطلاعاتی خود را دارد و نقش بزرگی در خرد کردن کسانی را دارد که تمایل به مخالفت با رژیم دارند، که آخرین بار آن اعتراضات دانشجویی در 1999 بود. سپاه سازمان ترسناک دیگری را به نام بسیج اداره میکند، که از جوانان متعصب تشکیل شده است و در خیابان های شهر گشت میزنند تا مردمی را شکار کنند که هنجارهای اجتماعی اسلامی را رعایت نمیکنند. بسیج مدعی است که میلیونها عضو دارد.

در خارج، سپاه تاریخچه طولانی فعالیت دارد: در ابتدای دهه هشتاد، سپاه به تشکیل نیروی نظامی حزب اله لبنان کمک کرد. اخیراً "سپاه وارد عراق شده است. بنابر مقامات بلند پایه امنیتی اسرائیل، تلاش سپاه برای نفوذ در عراق بوسیله "ستاد رمضان" واحد مخصوص برنامه ریزی سپاه انجام میشود که جنگجویان حزب اله را آموزش میدهد و تامین مالی میکند.

فعالیت های کسبوری سپاه شامل مهندسی، رسانه ها، تجارت، و انرژی میشود. محسن سازگار دستیار پیشین آیت اله خامنه ای و بنیان گذار این نیروی شبه نظامی میگوید "سپاه در همه جا موضع میگیرد." آقای سازگار که چند سال پیش از رژیم جدا شده است و در حال حاضر در آمریکا زندگی میکند، میگوید "سپاه سازمان نادری در دنیا است، با بدنه سیاسی و دارای نیروی نظامی و مجموعه ای از شرکت ها."

سپاه بعد از جنگ ایران با عراق صدام حسین بین سالهای 1980-88 وارد کسبوری شد، جنگی که در آن تلفات مهیبی داد. واحد مهندسی سپاه بنام "ستاد ساختمانی خاتم انبیا" بعد از جنگ از ساختن استحکامات نظامی به طرح های ساختمانی مانند جاده، سد، و تونل رو آورد. نام این واحد از عبارتی میآید به معنی "آخرین پیغمبر" که پیامبر محمد باشد. خاتم در حالیکه خود را یک شرکت معمولی نشان میدهد، یک مجله الکترونیکی (وب سایت) چاپ میکند بنام "مجله جاده و تونل." مهندسی سپاه مرکزش در یک ساختمان غیر نظامی در شمال تهران است و رئیس آن یک مهندس نفت پیشین است.

محمد علی رجبعلی نژاد یک مهندس ساختمان و ادیتور پیشین وب سایت میگوید: چون خاتم همواره جوهره ای یک سازمان نظامی باقی مانده است، من اجازه ندارم چیزی بگویم. یکی از مقامات ارشد سپاه بتازگی به روزنامه ها گفته است که 70% کارهای خاتم نظامی است. ولی خاتم از تفسیر خود داری کرد.

دلیل ابتدائی سپاه برای وارد شدن به کسبوری هم نظامی بود و هم اقتصادی. سربازان مرخص شده و معمولاً تلخ کام احتیاج به شغل داشتند، و دولت وحشت زده از ناآرامی میخواست که آنها را شاغل نگهدارد. در حالیکه خاتم و ماجراجویی های اقتصادی آن رشد میکرد و به سپاه کمک میکرد تا پول تولید کند و به وفاداران رژیم اجازه میداد که خود را ثروتمند کنند، در همان حال از بازبینی های مجلس و سایر واحد های دولتی آزاد بود. سپاه به دولت ایران گزارش نمی دهد بلکه به قدرت مجاز عالی آیت اله علی خامنه ای ملا گزارش میدهد و هیچ ترازنامه ای چاپ نمیکنند و بودجه آن محرمانه است.

اگرچه کارخاتم در ایران متمرکز است، اما سپاه ماجراهای اقتصادی در خارج ایران هم داشته است. سپاه به ساختن جاده در غرب افغانستان بعد از سرنگونی طالبان به درخواست دولت حمید کارزای که از طرف آمریکا پشتیبانی میشود کمک کرد. آقای سازگار میگوید که سپاه عمیقاً در قاچاق اجناس خارجی به ایران دست دارد.

در می 2004، برای اولین بار سپاه نشان داد در کسبوری بازیگری خشن و خودنما است. در آن ماه سپاه یک شرکت ترکیه ای را که قرار داد داشت تا فرودگاه جدید بین المللی امام خمینی را بگرداند اخراج کرد. سربازان و نفر بر های نظامی مراسم بزرگ گشایش فرودگاه را بهم ریختند و باند فرودگاه را بستند. از فرود یک هواپیما جلوگیری کردند و پروازهای دیگر را لغو کردند.

ترکیه ای ها فرار میکنند، ارکین اوزبار مدیر شرکت ترکیه ای "تاپی آف-وی" میگوید: "روز وحشتناک عجیبی بود." چند ماه بعد، فرودگاه زیر مدیریت سپاه و سازمان دولتی ایران باز میشود.

این واژگونی ویران کننده شیفتهگی کسبوری شرکت های خارجی را در ایران برای بخش انرژی کم نکرد. ایران بزرگترین ذخیره گاز بعد از روسیه را دارد، و بنا بر بررسی آماری بیبریتیش پترلیوم ذخایره نفت آن تنها بعد از عربستان سعودی در مرتبه دوم است.

در میان بررسی کننده گان ذخایر معدنی یک شرکت نروژی بود بنام "آکر کوارنر." که کنسرسیوم را در 2004 رهبری میکرد که بنابر گفته مقامات ایرانی شامل واحد سپاه خاتم نیز میشود. در اوایل 2005، این کنسرسیوم، در خلیج فارس، برنده یک معامله برای کمک به توسعه میدان بزرگ فارس جنوبی شد. در نروژ همکاری شرکت با سپاه، که برای گرداندن بیرحمانه شبکه زندان ها در ایران رسوا و بدنام بود،

غیر معقول خوانده شد. تیتز یک روزنامه اسلو اینچنین بود "در اتحاد با ارتش شکنجه گران." مدیر اجرایی این شرکت در نامه ای که نوشت از کسب‌وکاری شرکت در ایران دفاع کرد. در هر صورت، قبل از اینکه شرایط نهائی آن با مذاکره معین شود معامله منتفی شد. شرکت نروژی معین نمی کند چه چیزی به راه نادرست رفت.

شرکت "نفت شرقی" نیز میخواست که وارد معامله میدان گاز بزرگ بشود که در حال حاضر در مرکز درگیری سکو است. یکی از شرکت های خواهر واره نفت شرقی با یک واحد از شرکت "حالی برتون بستون" برای شرکت در مناقصه یک شرکت تشکیل دادند. اگر چه واشینگتن شرکت ها و شهروندان آمریکائی را برای کسب‌وکاری در ایران بشدت محدود میکند، این آئین نامه برای شهروندان غیر آمریکائی که برای شرکت های فرعی آمریکائی کار میکنند ممنوعیتی نداشت، که شامل این واحد "حالی برتون" میشد.

نفت شرقی، که در دومی و تهران دفتر داشت، در سال 2004 مطمئناً مانند شرط بندی خوبی دیده میشد. سهام دار اصلی، مهرداد اکبر صفداری، بازمانده کارگشته جنگ ایران و عراق بود. کسانی که او را میشناسند میگویند او به سپاه و نیروهای سیاسی میانه رو که دولت در آن موقع دستشان بود خیلی نزدیک بود. شریک او نیز بخوبی مرتبط بود، سیروس نصیری سفیر پیشین ایران در سازمان بین الملل در ژنو که برای مدتی در کنتاکی تحصیل میکرد است و به دو زبان انگلیسی و فرانسه حرف میزد. نخبگان رژیم به او برای کمکش به مذاکرات برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق اعتماد داشتند.

شرقی همچنین وارد کسب‌وکاری در حفاری چاه نفت نزدیک ساحل دریا شده بود. شرقی سکوی حفاری نفت را از خارج به منظور اجاره دادن آنها به شرکت نفت ایران با قیمت بالاتر اجاره میکرد.

شرقی اول دو سکوی حفاری از یک شرکت دولتی رومانیائی اجاره کرد و بعداً از یک شرکت خصوصی که سکوها را از دولت رومانی خریداری کرده بود. قیمت اجاره روزی 40000 دلار بود که در حال حاضر مفت بود، چون قیمت ها از آنوقت تا به حال سه برابر شده بود. همچنین شرکت خصوصی رومانیائی موافقت کرد سکوی سوئی را به شرقی اجاره دهد. برای ترتیب دادن جزئیات، شرقی در یک بانک دولتی ایران بنام بانک صادرات اعتبارنامه بانکی باز کرد. "کردیت سویس گروپ" در اروپا موافقت کرد تا برای پرداخت اجاره با بانک صادرات همکاری کند.

در 2004، به نفع شرقی و "حالی برتون" چیز هائی شروع به پیش رفت کرده بود. شرقی برنده یک قرارداد به ارزش 307 میلیون دلار برای توسعه دو مرحله در میدان گاز شد. مدیر شرقی در دومی خسرو آرابی بیاد میاورد "آن وقت خیلی شادی آوری بود."

اما جهت وزش باد سیاسی در تهران در حال تغییر بود. محافظه کاران در مجلس پیروز شدند. بعد از آن در جون 2005، ایران آقای احمدی نژاد را به رئیس جمهوری انتخاب کرد، که خود پیش از این سپاهی بود. مبارزه انتخاباتی او، بنابر گفته او بر پایه تعهدی بود که او بر ضد مافیای نفتی میکرد.

بعنوان رئیس جمهور، او بر ضد کسب‌وکاری که به میانه روهای نزدیک به رئیس جمهور سابق اقدام کرد. و رسانه های مرتبط به سپاه و تند روها شروع به عیب جوئی از نفت شرقی، و بخصوص از سهام دار اقلیت آن آقای نصیری دیپلمات کردند. سازمان خبری فارس شکایت میکرد، که چون آقای نصیری جزو گروه مذاکر کنندگان هسته ای ایران بود، به سرّی ترین اطلاعات امنیتی کشود دست رسی داشت و در همان حال با یک شرکت آمریکائی "حالی برتون" مستقیماً معامله میکند، شرکتی که معاون رئیس جمهور آمریکا آن را می چرخانده است. بعضی ها حالا معامله متروک شده تعلیق بارور کردن اورانیم را که ایران با آن موافقت کرده بود را دست آویز میکنند و به کمک نصیری ربط میدهند. وقتی که در این مورد از آقای نصیری سئول شد، ایشان گفتند که در باره دروغ و شایعات بحث نمیکنند.

بطور خلاصه، ایران اعلان کرد در حال بازپرسی نفت شرقی برای فساد است. شرکت نفت ایران مناقصه نفت شرقی را که در میدان گاز نفت جنوبی برنده شده بود با اتهام رشوره خواری لغو کرد.

در این نقطه "حالی برتون" تمام قراردادهایش را با نفت شرقی رها کرد. "حالی برتون" میگوید که آنها هرگز قرار داد نهائی را امضاء نکردند. مدیر نفت شرقی در دومی، آقای آرابی، بیاد میاورد "ما باهمه در حال جنگیدن بودیم. و در همه جا دردسر داشتیم."

در هر صورت، شرقی چیزی داشت که ایران احتیاج داشت: قرارداد اجاره چندین سکوی حفاری نفت در دریا، که شامل سه سکوی رومانیائی نیز میشد.

کمبود سکوی نفتی برای مدت طولانی ایران را رنج میداد و بتلاش آن برای افزایش تولید نفت صدمه میزد، که خیلی کمتر از تولید آن از پیش از انقلاب 1979 است. قوانین آمریکا حفران آمریکائی را از ایران بیرون نگه میدارد که بزرگترین بازیگران این کسب‌وکاری هستند.

نفت شرقی بعد از از دست دادن قرارداد بزرگ خود، برای بجاماندن به سکوی حفاری خود میجسبد. اما سکوی حفاری بسرعت شروع به سر خوردن از دست هایش میکنند. در فبریه، "گردیت سویس" اعلان میکند که نقش خود را در همکاری با بانک صادرات برای پرداخت پول اجاره را معلق میکند. این بدنبال فشار آمریکا به بانک های بزرگ اروپائی بود که از آنها میخواست کسب‌وکاری با بانک های ایران را کم کنند. سخنگوی گردیت سویس از تفسیر رها کردن بانک صادرات خود داری کرد، اما گفت که این بانک با برنامه ای معین از کارهائی که شرکت های ایرانی درگیرند خود را کنار میکشد و از قبول کارهای جدید خود داری میکند. او بیشتر شدن ریسک سیاسی و پولی را ذکر کرد و علاقه به مراقبت از شهرت بانک را مطرح کرد.

برای بیشتر کردن مبارزه برای فشار به ایران، ماه گذشته بانک مرکزی آمریکا اعلان کرد که بانک صادرات از هر گونه دست رسی مستقیم و یا غیر مستقیم به دستگاه مالی آمریکا محروم میشود. بانک مرکزی ادعا کرد، ایران از بانک استفاده کرده است تا 50 میلیون دلار پول به گروهی بدهد که با حزب اله کنترل میشود. در این مورد، مبارزه آمریکا برای ایجاد فشار به نفت شرقی احتمالاً منجر به کمک کردن به جورمند(اسپانسر) اصلی حزب اله یعنی سپاه شد.

مالک رومانیائی سکوی حفاری،گروپ سرویس پترولیر اس آ، میگوید حالا که "گردیت سویس" از معامله خارج شده است دیگر نمیتواند به اجاره سکوی حفاری به شرقی ادامه دهد. گریل کومانسکو، رئیس شرکت رومانیائی، همچنین از انبوه شدن صورت حسابهای پرداخت نشده شکایت میکند. در آپریل، او قرارداد اجاره را لغو کرد و درخواست پس دادن سکوها را کرد. شرقی در حالیکه میگفت میتواند بانک دیگری را جانشین کند اظهار داشت که به‌جوجه تمایلی به از دست دادن سکوها را ندارد. ادعاهای دو طرف در حال حاضر در مقابل یک گروه دادگر در پاریس قرار دارد.

شرقی که با مشکلات سیاسی در ایران و دشمنی بانکی در خارج احاطه شده بود، تصمیم گرفت بعنوان بهترین انتخابش، شرکت را برای فروش بگذارد، آقای آرابی میگوید. آنها برنده هستند و اشاره میکند به سیاست پیشه های تند رو و رسانه ها که پشت سر مبارزه بر ضد شرقی بودند. دولت ایران ناگهان اتهامات فساد برضد شرکت را لغو میکرد.

سپاه در این میان میچرخید، دولت جدید ایران سرپرستی توسعه دو مرحله از میدان گاز را به سپاه میدهد، همان طرحی که قبلاً به کنسرسیومی به سرپرستی نروژی ها داده شده بود. همچنین سپاه برنده یک معامله گاز شده است، بعلاوه قرار داد توسعه افزایش قطار زیر زمینی تهران.

پیشروی های سپاه بدون عقب نشینی نبود، که نشان دهنده واکنش مراکز قدرت ایران امروز است. اصلاح طلب های مجلس در نامه ای که به احمدی نژاد نوشتند در آن شکایت از قراردادهای بدون مناقصه و وام های با بهره پائین تر از بازار که به سپاه داده میشود کردند. و مجلس تلاش احمدی نژاد را برای منصوب کردن یکی از کارگشته گان سپاه را به وزارت نفت مسدود کرد.

بالین وجود، وقتی که نفت شرقی تسلیم شد و خود را برای فروش گذاشت، یک واحد مهندسی سپاه بسرعت یک رقیب بزرگ برای خرید آن در رقابت با وابسته ای به شرکت نفت ایران و دیگران شد. اما آمریکا که نگران سپاه است معتقد است، چلیدن راه های ارتباط شرکت های ایرانی با بانک های خارجی شاید در آینده عوامل تندرو را پائین بکشد. استوارت لوی، معاون منشی بانک مرکزی برای تروریزم و اطلاعات مالی، میگوید. " آنها ئی که در حال حاضر از پیوستگی ایران به اقتصاد جهانی سود میبرند، بیشتر از هرکس این مطرود شدن را احساس خواهند کرد، در حالیکه همانها در بهترین موقعیت هستند که رژیم را قانع کنند که راه فعلی آینده مردم ایران را بنابودی میکشد."

در رومانی، آقای کمانسکیو، وقتیکه ترتیبهای بانکی برای پرداخت اجاره از هم پاشید، قرار داد اجاره سکوی نفتی را لغو کرد و برنامه ای ریخت تا سکوها را پس بگیرد. یکی از آنها برای تعمیر در خارج از آب های ایران بود، بنابراین تصاحب آن مشکل نبود. اما دو تا از آنها در آب های ایران در خلیج فارس مهار شده بودند. در جون، آقای کمانسکیو سه پدک کش اجاره کرد تا یکی از سکوها را بنام اوریزنت از آب های ایران بیرون بکشد. اما پدک کش ها برگشتند، بعد از اینکه شرکت نفت ایران به آنها دستور داد که آب های ایران را ترک کنند.

در آگست، او دو باره سعی کرد تا سکوی دیگری را از آب های ایران خارج کند و این بار موفق شد. یدک کش ها سکو را از آب های ایران به امارات متحد عربی بردند. ایران این کار را دزدی دریائی خواند و گفت مقامات رسمی نفت ایران گروگان گرفته شده اند و با آنها با حسونت رفتار شده است. بریتانیائی که یدک کشی را سرپرستی میکرد، یان باهان، اتهام را بی معنی خواند و گفت به اصطلاح گروگان ها در تمام مدت با ما جوک میگفتند و میخندیدند.

بعد از این تنها یک سکوی نفت، اوریزات، در آب های ایران بود. یک دادگاه ایرانی دستور داد که آن سکو سرچایش بماند.

در 22 آگست، کشتی ها دوباره به سکو نزدیک شدند، اما این بار آنها یدک کش نبودند. این ها قایق های ایرانی بودن که سرنشینانشان مسلح بودند، رئیس سکو، آقای پتکو میگوید. ایرانی ها بزور وارد سکو شدند و بعد از اینکه او و سایر رومانیائی ها را گله وار در محل هلیکوپتر جمع کردند، متجاوزان بدنبال مدارک در کامپیوتر، کابینت ها و حتی یخچال میگشتند.

عکس هایی که رومانیائی ها گرفته اند دو قایق را نشان میدهد. یکی از آنها قایق بزرگی بود که نیروی دریائی ایران برای گشت بکار میبرد، و قایق کوچکتر بدون مارک، که متخصصین دریائی میگویند بنظر میرسد که متعلق به سپاه است.

دولت ایران، که پیش از این نفت شرقی را به فساد متهم کرده بود، حالا به دفاع از تقدس قرارداد سکوی آن و به حمایت نفت شرقی میاید. وزارت امور خارجه گفت "پلیس بروی سکو رفته است تا از حرکت غیر قانونی آن و از دزدی دو موی جلوگیری کند. بعد از یک روز رد و بدل کردن گفتگوهای پر حرارت بین تهران و بخارست، رئیس جمهور احمدی نژاد به رئیس جمهور رومانی تلفن میکند و به او اطمینان داد که ایران هیچ تمایلی به دشمنی ندارد و تنها منافع تجارتنی دارد.

آقای نصیری، دیپلماتی که هدف جنگ بر ضد شرقی بود، امروز میگوید او ده درصد سهام خود را در شرقی فروخته است، ولی نمیگوید به کی. او میگوید من خسته شده ام و تنها میخواهم یک زندگی معمولی و راحت داشته باشم.

هشت ماه بعد از حمله به سکو، در حالیکه سکو در خلیج فارس سرنوشت نامعلومی دارد، ایران بیشتر مردان مسلح خود را از سکو برده است اما هنوز آن را اشغال کرده است. آقای کما نیسکیو، مدیر اجرائی رومانیائی، میگوید: کارکنان او بروی سکو پنج ایرانی را که روی سکو هستند شناسائی کرده اند. او میگوید: دو نفر از آنها پلیس مسلح هستند، یک نفر نماینده شرقی است، یک نفر نماینده شرکت دولتی نفت ایران است، و آخرین نفر یک مامور مسلح اطلاعاتی سپاه است. او میگوید: فاجعه ما این است که ما بین جنگ بزرگی بین ایرانی ها گیر افتادیم. مدیر اجرائی رومانیائی ادامه میدهد: من آرزو نمیکنم که بزرگترین دشمنم در موقعیتی باشد که من هستم. و سئول وارانته میگوید، فکر میکنی که سپاهی ها به دانشگاه کسبورزی هارواد رفته اند؟

### چاه خشک

نفت شرقی، یک شرکت نفتی است که در امارات متحده عربی در سال 2000 تشکیل شده است تا برای مناقصه های ایران در بخش نفت شرط بندی کند و سکوهای حفاری نفت را اجاره کند، بعد از اینکه تندرو های سپاه و سایر تندروها در ایران به قدرت رسیدند، خود را در میدان جنگ می یابد. آپریل 2004 : شرکت خواهرواره شرقی با شرکت دریائی حالی برتون برای شرط بستن برای مناقصه میدان گاز جنوبی پارس در خلیج فارس به توافق اولیه میرسرد. اواخر 2004 شرقی برنده مناقصه قرارداد توسعه میدان گاز با واحد حالی برتون میشود. جون 2005 - بعد از انتخاب احمدی نژاد به رئیس جمهوری، شرقی با پوست انداختن سیاسی در ایران برخورد میکند.

آگست - شرقی معامله میدان گاز را از دست میدهد و تحت بازپرسی برای فساد قرار میگیرد، واحد حالی برتون شرقی را رها میکند.

پائیز و زمستان 2005 - شرقی تلو تلو خوران پیش میرود، سپاس به کسبورزی سکوهای اجاره ایش از رومانیائی ها و دیگر شرکت های خارجی برای کار شرکت ملی نفت ایران.

فوریه 2006 - در حالیکه آمریکا تلاش میکند ایران را از جهت مالی زیر فشار قرار دهد. گردیت سنویس بانک واسطه بین بانک صادرات ایران دردی و بانک رمانیائی در بخارست کنار میکشد.

مارچ - شرقی سعی میکند بانک غربی دیگری را جایگزین کردیت سوئیس کند اما موفق نمیشود و آمریکا را مسئول میدانند.  
آوریل - شرکت رومانیایی قرار داداجاره سکوهاى نفتى را با شرقى لغو میکند و بازگشت سکوها را درخواست میکند.  
جون - شرقى که با مشکلات بانكى و غير دوره شده بود تصميم ميگيرد دارائى هایش را برای فروش بگذارد.  
ایران بازپرسی فساد شرقی را رها میکند و سپاه برای دارائی هایش شرط بندى میکند.  
اگست - شرکت رومانیایی یکی از سکوهاى خود را پس ميگيرد. نیروهاى ایران و سپاه اداره سکوى بازمانده بنام اوریزانت رادر اختيار ميگیرند.  
در حال حاضر شرقى با بخش کسبورز سپاه و ديگر خريداران چانه ميزند.

شرکت نروژی "استیت اویل" بخاطر درگیری با ایران توسط بازار سهام آمریکا جریمه میشود

نویسنده: یان تالی و با یاری، الیزابت کالی و دبرا سالمون

ماموران بازار سهام و اداره دادگستری 21 میلیون دلار شرکت نفتی نروژ "استیت اویل اس 1" را جریمه کردند، برای اینکه در سال 2002 این شرکت پول داده بود تا برنده توسعه یک طرح نفتی حساس ایران بشود.  
شرکت "استیت اویل"، که توسط دولت اداره میشود، پیش از این 3 میلیون دلار به مقامات نروژی برای این کار داده بود، بری اینکه درگیر یک قرار داد مشاورای 15.3 میلیون دلاری با یک شرکت بنام "سرمایه گذاری محدود حورتن" بوده است. مشاوره گرایی، که همچنین با شرکت ملی نفت ایران ارتباط داشت و توسط دولت ایران اداره میشود، که باعث شد چند مدیر اجرائی ارشد آن اخراج شوند.  
بازرسان نروژی میگویند: معامله غیر قانونی بود و به منظور نفوذ کردن در مقامات برای وارد شدن به طرح نفتی پارس جنوبی در ایران بود. در سال 2002، "استیت اویل" قرارداد توسعه را دریافت کرد.  
"استیت اویل" اعلان کرد که معامله غیر قانونی بود و جریمه را میپذیرد. جنیک لیندبک، رئیس استیت اویل، میگوید: این حادثه در دوران مدیریت پیشین اتفاق افتاده است و شرکت مدت هاست از آن اظهار انزجار کرده است.

این یکی از بزرگترین جریمه های است که زیر قانون "قانون فساد خارجی" اقدام 1970، که رشوه دادن به مقامات خارجی را ممنوع میکند. بزرگترین جریمه زیر این قانون، جریمه 28.5 میلیون دلاری بود که شرکت "تایتان" موافقت کرد بپردازد تا اتهام ماموران بازار سهام را برای پرداخت مخفیانه در شش کشور را منتفی کند.  
ماموران بازار سهام که فشار روی شرکت های آمریکائی را برای پرداخت های زیر سنول ماورای دریا ها زیاد کرده اند میگویند: آنها جریمه استیت اویل را زیاد کرده اند، چون میخواستند یک پیغام روشن برای شرکت های دیگر فرستاده باشند.

هلن تی گولتز، مامور ناحیه ای هموند مامور بازار سهام میگوید: برای ما مهم بود که خرج این خلافتکاری را یکی دیگر از خرج های انجام دادن کسبورزی برای شرکت نکنیم.  
مامور بازار سهام گفت: آنها از استیت اویل میخواهند که 10.5 میلیون دلار از سود طرح ایرانی که در دست ساختمان است بهشان بدهد. اداره دادگستری اعلان کرد 3 میلیون دلاری که مقامات نروژی از استیت اویل گرفته اند را بعنوان قسمتی از 10.5 میلیون دلار جریمه قبول میکنند.

سال گذشته، مقامات رسمی ایران در بازپرسی خود، هیچ شرکت و یا مقام ایرانی را خلافتکار نیافتند.  
در ژانویه، استیت اویل زیان 335 میلیون دلاری طرح پارس جنوبی را وارد حسابداری خود کرد و علت آن را سه سال تأخیر، ناتوانی طراحی مهندسی و بالا رفتن قیمت مواد اولیه اعلان کرد.  
جدا از این، مقامات سلامتی نروژی تعطیل دو سکوی نفتی دوراز ساحل را تأیید کردند، که مالک آن استیت اویل و نوریسک شل ای اس ای بود، شاخه نروژی رویال داچ شل پی ال سی، برای معایبی که در سازمان قایق های نجات داشتند. این دستور تولید 280000 بشکه نفت را در روز به تأخیر میاندازد، یا 10% تولید نروژ که آن را سوئمن صادر کننده بزرگ نفت بعد از عربستان سعودی و روسیه میکند.

## آیا دولت ایران بزرگترین دشمن پیشرفت صنعتی ایران است؟

### آیا صنعتگران ایران با مردم و دولت پشتیبانی میشوند یا برعکس سرکوب میشوند؟

روی سخن در این نوشته با تحصیل کرده ها است، کارمندان ارشد دولت، روزنامه نگاران، استادان و آموزگاران، پزشکان، مهندسان، افسران و درجه داران نیروهای مسلح و بخش خصوصی صنعتی، تجاری، و خرده فروشی کالاها و تمام کسانی که در کسبوری آزاد بخش خصوصی فعال هستند. سؤال بزرگی که ما از خود باید بکنیم این است که چرا صنایع ایران همواره ده ها سال از دنیا عقب بوده است؟

ترجمه مقاله دست اندازی سپاه پاسداران به صنایع ایران، یک واقعیت را نشان میدهد و آن این است که برای اینکه صنعتگران ایران بتوانند در رشته ای از صنعت وارد شوند احتیاج به نفوذ در دولت دارند، مانند سهامداران شرکت نفت شرقی که در دولت خاتمی نفوذ داشتند و یا سپاه که نیروی قابل ملاحظه نظامی دارد و فقیه و ملاحی سیاسی زیادی پشت سرش است و تا حدود زیادی از دولت مستقل است.

در جریان فرودگاه جدید خمینی که ساختمان آن در دوران رژیم پهلوی دوم شروع شده بود، انسان نمی تواند باور کند که چرا دولت با ید مدیریت آن را به یک شرکت ترکیه ای بدهد. در حالیکه ایران ده ها سال است فرودگاه های خود را اداره میکند. آیا آن مدیریت دولتی که چنین قرار دادی را بست است دشمن پیشرفت صنعت خدمات ترابری ایران نیست؟ همانطور که در مقاله میخوانیم سپاه با همکاری دولت با مدیریت ایرانی فرودگاه را افتتاح میکند. باور کردنی نیست اما این سپاه است که مدافع صنعت داخلی است.

"نفت شرقی" یک شرکت درخشان صنعتگر است که با وجود محدودیت های دست و پا گیر جهانی که رژیم حزب اله در ایران برای آن ایجاد کرده است، تلاش میکند در قالب بخش خصوصی با بهره برداری از قوانین دویی و مزایای یک شرکت خارجی بودن وارد صنعت نفت دولتی ایران شود.

چون ما بخوبی میدانیم که کمونیست هائی که دولت ایران را در رژیم پهلوی میگرداندند و در رژیم حزب اله میگرداندند به شرکت های ایرانی اجازه نمیدهند وارد هیچ یک از بخش های صنایع نفت ایران، مانند شرکت های زمین شناسی، حفاری، تولید ماشین آلات صنعت نفت و غیره بشوند. شرکت نفت پیشین و حالا وزارت نفت کارش اول به مناقصه دادن توسعه طرح برای یافتن نفت و استخراج آن است و بعد از تاسیسات خود نگهداری میکند تا ماشین آلات فرسوده شود که در آن صورت بازخارجی ها دوباره باید برگردند و تاسیسات را دوباره سازی کنند. همینطور به ترابری نفت به مصرف کننده کاری ندارند چه برسد به وارد شدن به ساختن کشتی های نفت کش. بعد از انتخابات ریاست جمهوری به رسم حزب اله رقابت اصلاح طلب های سیاسی و تندرو های حزب الهی از میدان سیاست به تنگ نظری در صنعت گری میکشد. سپاه با اشتباهی زیادی که برای وارد شدن به صنعت نفت ایران دارد به نفت شرقی بجای اینکه بصورت سرمایه ای نگاه کند که چهره زشت خسمانه خود را پشت آن پنهان کند بعنوان رقیبی نگاه میکند که جای او را تنگ کرده است. کم و بیش تمام صنعت گران ایرانی که به پشتیبانی سیاسی خود متکی هستند، به بیشعوری اقتصادی دچار اند. و آن بی اعتقادی به رقابت آزاد است که بزرگترین نیروی محرک بهتر شدن است.

سیاست های جنگ طلبانه ضد آمریکائی و غریبی رژیم اسلامی در خاور میانه باعث میشود آمریکا از شبکه پولی جهانی خود بخواهد کسبوری با شرکت های مرتبط با ایران را محدود کنند. نفت شرقی که زیر حمله نابودکننده دولت احمدی نژاد به اتهام فساد بود، ضربه دوم را بخاطر سخن رانی های ضد یهودی و سیاست اتمی دولت احمدی نژاد میخورد. در اینجا صنعتگران نفت شرقی ضربه اصلی را از حزب اله میخورند که در بوجود آوردن آن نقش اساسی داشته اند و به سایر مبارزان پیشین برای حزب اله و مطرودین امروزی آن میپیوندند.

سپاه که دو بخش صنعتی صنایع اسلحه سازی و اتمی را میگرداند از اعتماد بنفس قابل ملاحظه ای برخوردار است. البته ما میدانیم که در این دو بخش با خرابکاران و قانون شکن های جهانی سروکار دارد و هیچ قانونمندی جهانی در کار هایش وجود ندارد. وارد شدن سپاه در صنعت نفت تغییرات بنیادی را در جوهر سپاه ضروری میکند.

همانطور که در قسمت دوم مقاله مشاهده میکنیم صنعت نفت کاملاً جهانی شده است و قانونمندی شدیدی بر آن حاکم است. سپاه در ایران با کمبود استعداد های صنعتی روبرو است و رژیم حزب اله ظرفیت تولید استعدادهای صنعتی را با سرمایه گذاری به روی شرکت های داخلی و تحمل آزادی آنها را ندارد. خرابکاران و قانون شکن

های جهانی که در صنایع اسلحه سازی و اتمی به سپاه کمک کرده اند نمی توانند در صنایع نفت کمکی برای سپاه باشند. احتمال اینکه سپاه در بلند پروازی های صنعت نفت خود شکست بخورد زیاد است. همانطور که پایش در نیروگاه هسته ای بوشهر در گل گیر کرده است.

برای اینکه به ژرفای ناتوانی تکنوکرات های شرکت نفت ایران پی ببریم باید توجه کنیم که ایران پیش از انقلاب اسلامی 6.5 میلیون بشکه نفت تولید میکرد که در حال حاضر به 2.4 میلیون بشکه رسیده است. ایران توانایی تولید نفت خود را بخاطر سیاست های جمهوری اسلامی از دست داد، که بترتیب از اعتصابات در انقلاب اسلامی شروع شد که با گروگان گیری تشدید شد و با جنگ ایران و عراق بدتر شد و با تحریم اقتصادی آمریکا بخاطر سیاست های تروریستی و جنگ طلبانه رژیم اسلامی ادامه پیدا کرد. علت اصلی موفقیت صنعت نفت در زمان محمد رضا شاه، اول سیاست های دوستانه شاه با آمریکا و اروپا بود و دوم کادرهای حرفه ای با آزادی های اجتماعی و دینی بود. جمهوری اسلامی با دشمنی با آمریکا و غرب و کادرهای حزب الهی خود موفق شد تولید نفت را به یک سوم پیش از انقلاب برساند. در هر صورت باید توجه داشت که در هر دو رژیم بخش خصوصی توسط وزرای دولت و کادرهای ارشد شرکت نفت از صنعت نفت بیرون نگاه داشته شدند. به این گزارش در سایت روز از مجلس درباره واردات بنزین در 10 آبان 1385 توجه کنید :

دولت در لایحه بودجه سال 1385، چهار میلیارد دلار برای واردات بنزین درخواست کرده بود که مجلس با 2/5 میلیارد دلار آن موافقت کرد و ضمن تصویب تبصره 13 لایحه بودجه، تکالیفی را برای دولت تعیین کرد تا در صورت اجرای این تکالیف، دیگر نیازی به ارایه یارانه برای واردات بنزین نباشد و علاوه بر صرفهجویی در مصرف سوخت، استفاده از وسایل نقلیه عمومی برای آحاد جامعه فراهم شود.

اما این رقم تنها توانست در پنج ماه نخست سال، جوابگویی مصرف بنزین داخل باشد، وظایف محول شده به دولت نیز به دلیل نبود زیرساختها و انجام نشدن هیچ کار جدیدی از سوی دولت محقق نشد و دولت به استفاده از ذخایر استراتژیک نفت رو آورد و همزمان طی لایحه ای خواستار جایگزینی رقم شش میلیارد دلار شد، به این معنی که از مجلس خواست با برداشت 3/5 میلیارد دلار دیگر از حساب ذخیره ارز برای تامین بنزین نیمه دوم سال موافقت کند. این همان پیشنهادی است که اکنون در دست بررسی است.

در حالیکه هزاران تحصیل کرده دانشگاهی بیکارند و یا کم کارند و یا خارج از محدوده آموزش خود کار میکنند و یا تلاش میکنند به خارج مهاجرت کنند. ایران میتواند با استفاده از این نیروی کار و با سرمایه گذاری بخشی از پول قابل ملاحظه واردات بنزین در صنعت تصفیه نفت بخش خصوصی، به همان مقدار که از یارانه های بنزین کم میکند، بنیاد صنعتی را بریزد که پس از چند سال ایران بجای وارد کننده بنزین صادر کننده آن باشد. البته برای اینکه اینکار عملی باشد احتیاج به این است که دولت حزب اله مرگ بر آمریکا نگوید و دنبال نابودی اسرائیل با بمب اتمی خود نباشد، و ما میدانیم که این غیر ممکن است و از ظرفیت رژیم حزب اله خارج است.

آنچه در این اقدام سپاه قابل ملاحظه است، این است که صنعتگران نفت ایران برای گرفتن مناقصه اکتشاف و توسعه احتیاج به چه نیروی بزرگی دارند تا جلوی تکنوکرات های خوبی ریشه کرده در دولت ایران در بیابند، که صنعتگران نفت را آن چنان خفه کرده اند که یکی از قدیمی ترین شرکت های نفت جهان را به عقب افتاده ترین شرکت نفت جهان تبدیل کرده اند. آنچنان دور از واقعیت نیست اگر تصور کنیم اشتیاق کسبورزی کادرهای سپاه روزی بر شوق حزب الهی و جنگ طلبی آن برتری جوید، آن روز بدون شک روزی خواهد بود که اصلاح طلب های حزب الهی تندروها را سرکوب میکنند.

کامبیز باسطوت، سه شنبه، 28/11/2006